ع. حضرت از سویدن ۲۰۱۵/۰٤/۲۳

باز هم در ارتباط با موضع گیری در مورد مرحوم استاد خلیل الله خلیلی

بنده روز گذشته در مورد اظهار نظر مجدد یا همان دفاعیه از نوشته ام را از طریق پایگاه مردمی یا بهتر گفته شود گل باغ دیجیتالی به عرض خوانندگان خود رساندم ولی گویا اینکه کاری بدی را مرتکب شده باشم و یا به اصطلاح علیه انسانیت دست به توطئه زده باشم، باز هم بر مذاق بعضی ها و یا شاید بسیاری برادرانم تلخ واقع شده باشد، من بدون اینکه لجاجت و یا چشم سفیدی و اصرار بر حقانیت نظرم را داشته باشم اعتقاد دارم که باز هم سوء تعبیر مانع شده که من حرفم را قابل قبول شده تلقی نکنم چنانچه یکی از خوانندگان گرامی لطف نموده و بنده! را فیلسوف! خطاب نموده که البته از کشف شان (هرچند دیر هنگام) باید تجلیل بعمل آورد!

اتفاقاً حرف ایشان بیجا هم نیست، هر آن کسی که حرف هایش صعب التعبیر باشد فیلسوف شمرده شود. بهر حال برای آخرین مرتبه سعی و تلاش خواهم نمود که سوء تعبیر را برطرف و مطلبم را با دقت تمام (و اگر درک دقیق وجود داشته باشد) ارائه نمایم و در غیر آن باید از هرچه در کله و قلب دارم معذرت خواهی! و توبه! کنم.

حقیر عرضم را اینگونه به تصویر می کشم،
از صد سال به این طرف ما (هموطنان با سواد و چیز فهم و دانشمند و فرهیخته و مبارزین راه آزادی و تلاش گران اصلاح امور اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و دلسوزان انسان و انسانیت و. . .) برای پیشبرد و تحقق آرمان های عالی و انسانی خویش چهارده باب رستوران را در چهارده گوشهٔ تاریخ و جغرافیای این سرزمین (البته عددِ مرقوم، تقریبی می باشد نه دقیق) باز گشائی و دائر نمودیم و جهت جلب مشتریان و گشنگان (معنوی) اقدام به تهیهٔ غذاهای گوناگون و لذیذ! و جلب کننده و سیر کننده و مفید نمودیم، مِینوی آن رستوران ها حاوی پیام های گوناگونی بود، چون هشتاد و یک فیصد مردم مُفلس (به دور از شناخت نام و محتوای مینو) بودند و به جز غذای فقیرانه و محدود و ناچیز خانهٔ خود با طعم و کیفیت غذا های دیگری نا آشنا بودند ولی باز هم ما رستوران داران همین نُزده فیصد مراجعین شهر را کافی و غنیمت می شمردیم و به اِعاشه و سیر کردن شکم آنها ادامه دادیم، چون مینو ها همه وارداتی بودند (حتی مِینویی که ادعا می شد تولید داخلی می باشد نیز در لابراتوار های خارج بررسی و طعم خارجی داشت) و از طرفی هم چون رستوران های مادر و بزرگ خارجی هر کدام در تلاش بودند تا طعم و مزه و کیفیت و فوائد سیستم خود را به مردم ما بچشاند و مسحور و مفتون مِینوی خود نمایند بناءً رقابت درین راستا شدت و حدت گرفت که نتیجه اش را در مصرف غذا های رستوران های واقع در جادهٔ ۲۸ اسد و ۱۸ دلو و ۱۶ میزان و ۲۰! قوس! ، ۲۶سرطان، ۷ ثور، ۶ جدی، ۱حمل - ۲۹حوت، ۸ ثور، ٤٥ بُن، ۲۳ اپریل ۲۰۱۵ و . . .

حال منحیث یک پرندهٔ سبک بال (عرض شود که بنده بجز انسان بودن و هموطن بودن هیچ اشتراک و پیوندی دیگری با مرحوم خلیلی نداشته ام) اجازه می خواهم که بر فراز این رستوران ها یک پرواز کوچکی بعمل بیاورم و از ارتفاع ۶۱ متری عاجزانه و خاضعانه و معصومانه و بی باکانه فریاد بکشم که ای برادران عزیز و گرامی هر یک از ما (با سواد ها) افتخار تناول غذا های یکی ازین رستوران ها را در عمق و پهنا و بلندای وجود فکری و ذهنی و عملی خود، دارا می باشیم ادعای انکار، یک ادعای بیهوده و فریبنده و ادعای حقانیت سالم بودن این رستوران ها یا رستوران خود فریبی بیش نخواهد بود، امّا زبدهٔ سخنم، مرحوم استاد خلیل الله خلیلی و امثالهم هم شاید در یکی ازین رستوران ها روزگاری از روزگاران میز رِیزرو کرده باشد ولی نامبرده از هنر والای هنر برخوردار بود که قابل توجه بود، اکیداً عرض می کنم که بنده از هنر والای آن مرحوم تجلیل می کنم نه از رستوران انتخابی اش، آن چیزیکه مرا وادار به عکس العمل جدی می کند اینست که برادران ما چرا این اصل عقلی و حتی دیموکراتیک را نادیده می گیرند که مسألهٔ حقوقی، و خیر و شر بودن یک مسأله، دو امر و مقولهٔ جداگانهٔ می باشند، آنهایی که در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

لندن جلسهٔ تجلیل از کلکانی را برگزار نموده اند باید با عین سطح از عکس العمل و حساسیت و یا قباحت برخوردار باشند که مثلاً جلسهٔ تجلیل از گاو دارنِ گاو صفت و مزدوران این و آن، و برعکس، آیا معلومات و اخبار حول جامعهٔ ما این قدر محدود و کم است که فقط از جلسهٔ لندن با خبر می باشیم و از جلسات دیگری اصلاً اطلاع نداریم و یا نمی خواهیم اطلاع داشته باشیم، این جاست که من و امثال من به این مسأله مشکوک می گردیم که چرا "زد شب" محکوم به اعدام میباشد و "دزد" بعضی از رستوران ها "مورد برائت" قرار می گیرد، من همه نوشته و ادعا و تأئیدی که از مرحوم استاد خلیل الله خلیلی به انگشتانم سپرده ام، پس میگیرم به شرطیکه در مورد پذیرفتن حقیقت ادامهٔ مزدور گیری انگلیس (همین امروز وهمین لحظه) موافقه صورت بگیرد، در صورت عدم موافقه، احساس خواهم کرد که هجمه ایکه برسر این فقیر وارد می شود انگیزه اش نه "خلیلی" و "کلکانی" و اظهار وطن پرستی و . . . می باشد بلکه انگیزه اش از یک آتش فشان دیگری زبانه می کشد. هنوز وقت و فاصلهٔ زیادی را باید منتظر بمانیم که به چشمهٔ زلال برائت و تقبل و آرایش از آلایش دست بیابیم.
من به عنوان یک انسان و یک افغان فقط اظهار عشق و علاقه نسبت به یک شاعر خوب این قدر سرکوب شدم، آنهایی که بمب هدروجنی را در ازدحام تاریخ و جغرافیهٔ این سرزمین منفجر کردند چه سرنوشتی! در انظار شان خواهد بود؟
در آخر یک پیشنهاد دارم اینکه، اگر می خواهیم آینده را بسازیم باید گذشته ها را فراموش کرد یا اگر می خواهیم که گذشته! را صاف کاری کنیم باید از آیندهٔ درخشان (که همین امروز هم بخشی از آینده می باشد) دست بشوئیم .
تشکر

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ